



مهدی سلطانی رنانی

تولد

در عاشورای سال ۱۳۳۲ هـ. ق در شیراز کودکی به دنیا آمد که چون آن ایام، روزهای پرسوز شهادت سالار شهیدان، امام حسین علیه السلام بود، نامش را «عبدالحسین» نهادند.^۱ خاندان وی از سادات حسنی و حسینی به شمار می‌رفتند که از چهار قرن پیش در شیراز به «دستغیب» معروف شده بودند. سیادت، نشان افتخار این خانواده بود و حلقه‌های نورانی، پیوند او را با ۳۲ واسطه، به حضرت «زید شهید» فرزند امام سجاد علیه السلام می‌رساند.^۲

تحصیل و اساتید

شهید محراب آیه الله دستغیب علیه السلام درس را از مکتب‌خانه شروع کرد و با فراگیری قرآن و نصاب الصبیان و خواندن چند کتاب منظوم و منثور فارسی، دوره مکتب را پشت سر گذاشت.

سپس تحصیل در علوم اسلامی را آغاز نمود و دروس اولیه و مقدماتی

۱. ر.ک: گلشن ابرار، جمعی از پژوهشگران حوزه علمیه قم، قم، نشر معروف، دوم، ۱۳۸۲ ش، ج ۲، ص ۸۷۴
 ۲. این سلسله را شهید دستغیب در پایان کتاب «قلب سلیم» آورده است.

حوزه را نزد پدرش خواند و از محبت‌های استادانه پدرش بهره‌مند شد. در سال ۱۳۴۲ ه. ق در حالی که یازده ساله بود، پدر را از دست داد و این چنین در نوجوانی روح لطیفش سخت آزرده گشت.^۱

وی پس از این واقعه، تحصیلات را در مدرسه خان شیراز ادامه داد و از روحانیت و نورانیت مدرسه نیز بهره برد. مدت‌ها در این مدرسه به تحصیل پرداخت و نزد اساتیدی همچون شیخ اسماعیل، ملا احمد دارابی و آیه الله ملا علی اکبر ارسنجان‌ی دوره مقدمات و سطح را به پایان رساند.

پایان یافتن دروس سطح حوزه او همزمان با غائله کشف حجاب رضاخانی بود و شهید دستغیب در سن جوانی (حدود ۲۵ سالگی) به مبارزه با این تهاجم بزرگ پرداخت؛ اما مأموران او را زیر فشار قرار دادند و او نیز در سال ۱۳۱۴ ه. ش مجبور به حرکت به سوی نجف شد.^۲

در نجف اشرف تحصیلات خود را ادامه داد و با تلاش پی‌گیر در طول هفت سال به مقام شامخ اجتهاد نایل

آمد.

از اساتید علمی آن روحانی مبرز و مبلغ نمونه در حوزه نجف می‌توان به آیات عظام: سید ابو الحسن اصفهانی، آقا ضیاء عراقی، آقا سید باقر اصطهباناتی و شیخ محمد کاظم شیرازی اشاره نمود.^۳

روح جستجوگر آن شهید فرزانه، وی را بر آن داشت که در پی یافتن صاحب‌دلی باشد که او را به وادی ایمن رسانده، در معرفت خویش و خدای خود به کمال برساند. بدین جهت، در همان ایام، این توفیق و موهبت نصیب وی گشت و به محضر پرفیض استاد اخلاق حوزه نجف، عارف بالله و سالک الی الله، حضرت آیه الله سید میرزا علی قاضی طباطبایی رحمته الله علیه راه یافت و در مکتب عرفانی او رشد کرد.

پس از گذشت چند سال مرحوم قاضی به سرای باقی شتافت و او به

۱. گلشن ابرار، ج ۲، ص ۸۷۵

۲. مجله پیام انقلاب، ش ۹۹، صص ۱۶ و ۵۴، مصاحبه با آیه الله دستغیب.

۳. روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۶۹/۹/۲۰، ص

۲، مصاحبه با سید هاشم دستغیب.

خود را به ساده زیستن
 عادت داده و همیشه
 معتقد بود که مبلغ و
 دعوت‌کننده مردم به
 سوی حق باید از هوا و
 هوس و زرق و برق دنیا
 دور باشد و وصل به یاد
 حق، با سلاح دعا و
 مناجات باشد

۳. تأسیس حوزه علمیه آیه الله دستغیب؛
۴. ساخت مسجد الرضا علیه السلام، مسجد شهید خلیل دستغیب، مسجد المهدی علیه السلام، مسجد روح الله، مسجد فرج آل رسول علیه السلام و مسجد امام حسین علیه السلام در شیراز؛
۵. کمک در ساخت و تکمیل

محضر آیه الله شیخ محمدجواد انصاری همدانی علیه السلام راه یافت و مدت‌ها تحت نظر وی راههای ظریف و لطیف معرفت نفس را طی کرد.^۱

اقدامات و مجاهدتها

آیت خدایسی و عارف سالک شیرازی در سال ۱۳۲۱ ه. ش به توصیه استادانش به ایران بازگشت. وی که با گرفتن اجازه اجتهاد از استادانش به شیراز مراجعت نمود، از ابتدا در مسجد طالبیون به اقامه نماز جماعت و ایراد منبر پرداخت.^۲

پس از چندین سال تلاش پی گیر آیه الله دستغیب علیه السلام و مردم خوب شیراز کار تکمیل بنای مسجد جامع عتیق پایان یافت. سپس ایشان کار فرهنگی وسیعی را در آنجا آغاز کرد و با فعالیتها و منابر غنی خویش و با پشتوانه عظیم اخلاقی اش بسیاری از انسانها را بدان محیط جذب نمود. از دیگر خدمات ایشان به مردم شیراز و به میهن عزیز اسلامی می توان به موارد ذیل اشاره نمود:

۱. بازسازی مسجد جامع شیراز؛
۲. نوسازی مدرسه علمیه حکیم؛

۱. مجله اعتصام، ش ۸، ص ۶۶، مصاحبه با سید هاشم دستغیب.

۲. گلشن ابرار، ج ۲، صص ۸۷۷-۸۷۹.

معارف الهی و ارزشهای اخلاقی بدین مهم نیز مبادرت ورزید. از ویژگیها و نموده‌های تبلیغی اش می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

۱. استعانت دائمی از خداوند و واگذاری امور خود به حق تعالی در همهٔ سخنرانیها، طرحها و اقدامات تبلیغی.

۲. ذکر مطالب مفید دینی و دستورات الهی به مردم، تا آنجا که بسیاری از سوره‌های قرآن را برای آنان تفسیر کرد و بدین وسیله زمینهٔ تربیت بسیاری را فراهم نمود.^۳

۳. همیشه به برنامه‌ریزیهای تبلیغی مختصر و مفید و به دور از پیچیدگی تأکید داشت و در سخنرانیهای خویش نیز به جهت رعایت حال مردم، خلاصه و پُر محتوا

مجتمع خاتم الاوصیاء علیهم‌السلام و مجتمع مرد اول و ایجاد شهرک شهید دستغیب.^۱

۶. همراهی و همگامی ایشان با حضرت امام خمینی علیه‌السلام به عنوان یک سرباز راستین و مطیع آن رهبر فرزانه در قیام علیه طاغوت و در حرکت‌های انقلابی از سال ۱۳۴۱ ه. ش و نقش مؤثر ایشان در دعوت مردم شیراز به مقابله و قیام علیه طاغوتیان.

این مبارزات و اقدامات شجاعانه تا پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز ادامه داشت تا اینکه در سال ۱۳۵۸ ه. ش حضرت امام علیه‌السلام ایشان را به امامت جمعه شیراز منصوب کردند که تا آخرین لحظات حیات در سنگر مقدس نماز جمعه به دفاع از ارزشهای نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران پرداخت.^۲

ویژگیها و نموده‌های تبلیغی

شهید محراب آیه الله دستغیب علیه‌السلام علاوه بر اقدامات فرهنگی و مبارزاتی و بسیاری از کارهای خیر و حسنه در شیراز، از مشرب تبلیغی والایی برخوردار بود و با منبرهای غنی از

۱. همان، ص ۸۷۸

۲. ر.ک: یادداشت‌های جناب آقای سردبخش از یاران دیرین شهید دستغیب، صص ۶-۵ و صص ۲۰-۱۱؛ صحیفه نور، بیانات حضرت امام خمینی علیه‌السلام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه‌السلام، ج ۸، ص ۲۲۲.

۳. مصاحبه با سید هاشم دستغیب، فرزند شهید آیه الله دستغیب در یادواره شهید دستغیب.

سخن می‌گفت.

۴. در سیر تبلیغی خویش همیشه اهتمام جدی به مجالس اخلاق و برپایی آن داشت. پس از تأکید امام امت علیه السلام به وحدت دانشجو و روحانی، آن شهید بزرگوار که سخت به منویات امام اهتمام داشت، از جوانان دانشجو درخواست نمود تا در جلسه اخلاق که پنج‌شنبه‌های هر هفته در مدرسه علمیه حسنیه قوام تشکیل می‌شد و خود با سخنرانیهای نورانی و اخلاقی اش آن را اداره می‌نمود، شرکت نمایند.^۱

۵. همیشه معتقد بود که تبلیغ سازنده و کارساز، آن تبلیغی است که مبلغ با خودشناسی و خداشناسی مسیر را آغاز و ابتدا از خویشتن شروع کند تا بتواند در اعضای اجتماع مؤثر بوده و تبلیغ وی سودمند و نتیجه بخش باشد.^۲

۶. همیشه با مردم با دوستی، محبت و مدارا برخورد می‌نمود و در سخنرانیهای خویش نیز بر این نکته تأکید داشت و می‌فرمود: «با رأفت، مهربانی و دوستی، می‌توان هدایتگر مردم به سوی خدا و دین الهی بود.»

همیشه نیز به آیه «لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَّحِيمٌ»؛^۳ اشاره می‌نمود و پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله را اسوه حقیقی تبلیغ و مجاهدت در راه خدا می‌دانست.^۴

۷. برخوردهای آن شهید فرزانه در مسیر تبلیغی، چه برخوردهای اجتماعی و چه برخوردهای خانوادگی و تربیتی مخلصانه و حسن خلقش، همه از خودسازیهای پیوسته در طول عمر با برکتش حکایت دارد. همچنین روح بزرگ و سعه صدر که از ارکان مهم تبلیغ و ابزار مهم یک مبلغ نمونه به شمار می‌آید، در وجود شهید محراب آیه الله دستغیب علیه السلام متجلی و نمایان بود.^۵ او در این مسیر همیشه صبور و مقاوم بود.

۱. ر.ک: اخلاق اسلامی، شهید محراب آیه الله سید عبدالحسین دستغیب، قم، انتشارات اسلامی، دهم، ۱۳۷۸ ش، صص ۱۳-۱۲.

۲. اخلاق اسلامی، ص ۱۳.

۳. توبه/۱۲۸: «به یقین، رسولی از خود شما به سویتان آمد که رنجهای شما بر او سخت است و اصرار بر [هدایت] شما دارد و نسبت به مؤمنان، رؤوف و مهربان است.»

۴. ر.ک: اخلاق اسلامی، صص ۱۰-۸.

۵. گلشن ابرار، ج ۲، ص ۸۷۸.

مرا خوب نمی‌شناخت تا از ایشان استمداد کنم. با خود اندیشیدم که نامه‌ای بی‌نام و نشان خدمت آقا نوشته، درد دل خود را بسا ایشان در میان بگذارم. این کار را کردم؛ ولی دلهره‌ای داشتم.

چند روز بعد آقا به مدرسه آمدند و از طلاب احوال‌پرسی و دل‌جویی کردند. هنگام رفتن رو به من کردند و گفتند: «آقای... حاجت برآورده است. بعداً به منزل بیایید!» دهانم از تعجب باز ماند. اگر چه در دل غرق سرور شده بودم؛ ولی نمی‌دانستم که او چگونه فهمیده و از کجا خبر داشته که نامه را من نوشتم.

بعداً به منزل آقا رفتم و ایشان مقداری پول مرحمت فرمودند. با آن پول ازدواج کردم و دیدم مقدار پولی که آقا داده‌اند، درست به اندازه مخارج ازدواج است؛ نه کم تر و نه زیادتر.^۱

۱۰. ایشان معتقد بودند که نور

۸. خود را به ساده زیستن عادت داده و همیشه معتقد بود که مبلغ و دعوت‌کننده مردم به سوی حق باید از هوا و هوس و زرق و برق دنیا دور باشد و وصل به یاد حق، با سلاح دعا و مناجات باشد. شایستگی‌های روحی و کرامات معنوی آن شهید سرافراز محراب خود گواه مدعا و موفقیت وی در عرصه تبلیغ و سخنرانی‌های تبلیغی بود. فرزند ایشان در این خصوص چنین می‌گوید: «ایشان معتقد بود که ما باید از همه مردم سطح زندگی مان پایین‌تر باشد تا مردم به روحانیت شیعه بدبین نشوند.»^۱

۹. ایشان مردم‌دار، نسبت به امور مردم کوشا و در حل مشکلات آنها جدی بود.

در اوصاف و احوالات معنوی و کرامات آن شهید در این خصوص چنین آمده است:

یکی از طلاب حوزه علمیه شیراز می‌گوید: «من در حوزه شیراز درس می‌خواندم و اندیشه ازدواج در سر داشتم؛ اما از نظر اقتصادی دچار مشکل بودم و آیه الله دستغیب رحمته نیز

۱. مجله زن روز، ش ۸۹۵، مصاحبه با خانم مائده‌سادات دستغیب.

۲. ر.ک: منشور یادواره شهید دستغیب، سید هاشم دستغیب، صص ۲۳-۲۲.

۱۲. در سخنرانیها و آثار وزین خویش، همیشه در تبیین مطالب از تمثیل و تشبیه استفاده می نمود و به و غاظ و روحانیون نیز توجه به این شیوه را توصیه می کرد و می فرمود: «مبلغ نمونه کسی است که این روش سخن گفتن را الگوی خود قرار دهد.»^۳

۱۳. از شیوه های ارزشمند تبلیغی ایشان قصه گویی و تکیه بر داستان در سخنرانیها و منابر بود. داستانها و قصه های تربیتی ایشان اکثراً حقیقی و در مسیر رشد و کمال مخاطب و مایه عبرت آنها می باشد. ایشان همیشه از داستان در مسیر هدایت و رشد معنوی مستمعین استفاده می کرد و از اینکه داستانها را ابزار سرگرمی و تخیل در سخن خویش برای مردم قرار دهد،

۱. ر.ک: قیامت و قرآن، سید عبدالحسین دستغیب، تهران، نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، پنجم، پاییز ۱۳۷۴، صص ۴-۵.

۲. توجه به آثار علمی به جامانده از ایشان و منابر حاکی از سخنان ساده و روان و در عین حال محکم و مستدل، خود گواه این مدعاست.

۳. به عنوان نمونه می توانید به کتاب داستانهای شگفت ایشان مراجعه نمایید که بسیاری از مطالب در قالب تمثیل و تشبیه یا داستانهای شیوا تبیین و نتیجه گیری شده است.

ایمان و یقین به معاد را جز با معنویت کامل نمی توان در افراد ایجاد کرد؛ زیرا به قدری مزاحمت و اشتغالات مادی زیاد است که تبلیغات معمولی اثری در حد دفاع و جلوگیری از آلودگی بیشتر نمی تواند داشته باشد و لذا همیشه مقید به کاربرد و استفاده از آیات قرآن و احادیث اهل بیت علیهم السلام در سخنرانیهای خویش بودند و می فرمودند: اگر از نورانیت قرآن کریم که ثقل اکبر و معجزه باقی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله است، استفاده گردد، خود همین آیات، در دل های صاف و تشنه هدایت، اثر کافی می گذارد و سخنان و ابزارهای تبلیغ مؤثر خواهد بود.^۱

۱۱. همیشه در سخنرانیهای خویش بر روان و ساده گویی مطالب و قابل فهم بودن برای عموم مستمعین تکیه داشت و این شیوه را از روشهای موفقیت آمیز در هدایت و ارشاد و از شرایط مطلوب و مهم تبلیغ و سخنرانی ایده آل می دانست و همیشه آن را کمالی برای مبلغ قلمداد می کرد و آسان گویی را از شیوه های تربیتی قرآن به شمار می آورد.^۲

مدتها برای جمع‌آوری اطلاعات تلاش کردند. تشکیلات منافقین زمان ترور را روز جمعه ۱۳ آبان ۱۳۶۰ ه. ش تصویب کرد؛ اما این برنامه ناکام ماند. آنها در پی فرصتی دیگر برآمده، نقشه یک ترور انتحاری را کشیدند.

حالات و واردات روحی شهید محراب آیه الله دستغیب علیه السلام به او خبر از یک واقعه مهم می‌داد. گاهی به ایشان گفته می‌شد: آقا! بیشتر مواظب خودتان باشید! می‌گفت: «شهادت افتخار است. مگر شما حسودی تان می‌شود که من به این مقام برسم و افتخاری نصیبم شود!»

ایشان معمولاً شبها در ساعت معینی از خواب برمی‌خاستند؛ ولی شب جمعه پس از ساعتی استراحت، ناگهان از خواب بیدار می‌شوند، سرشان را در دستانشان می‌گیرند و مرتب «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» می‌گویند. همسرش می‌گوید: آقا! آب

پرهیز می‌نمود.^۱

۱۴. روحیه پرسشگری و بشارت و انذار نیز در سخنرانیهای این مبلغ نمونه و شهید سرافراز محراب، هویدا است.^۲ این امر موجب بهره‌گیری مخاطب از حقایق و عبرتهای تاریخی می‌گردد و ذهن آنان را تحلیلگر و پویا می‌نماید. همچنین باعث می‌شود که مطالب مستدل و به دور از خستگی، تکرارگویی و اتلاف وقت، بیان گردد و مطالب، مجهول و ناگفته نماند.

۱۵. معرفتی الگوها و تحریک عواطف فطری در مسیر تبلیغ و سخنرانی نیز از شیوه‌های کارساز و مطلوب است که آن شهید بزرگوار بر آن تکیه داشتند و این شیوه را در سیر تبلیغ و هدایت مردم بسیار ایده‌آل می‌دانستند. کتب سید الشهداء علیه السلام، قیامت و قرآن، قلب قرآن، و اخلاق اسلامی ایشان به خوبی نمایانگر این ویژگی در سیر تبلیغی و سخنرانیهای پر محتوای ایشان است.

مسلخ عشق

در سال ۱۳۶۰ ه. ش منافقین طرح ترور آیه الله دستغیب علیه السلام را تهیه کرده،

۱. ر. ک: داستانهای شگفت، آیه الله دستغیب.

۲. کتب: «۸۲ پرسش» و «سید الشهداء علیه السلام»، شهید محراب آیه الله دستغیب گواه این مدعاست.

داشت که گویا بار سنگین معرفتی در جانش ریخته‌اند و او در تحمل آن از زلال یاد حق استمداد می‌کند. و همسرش می‌گوید: آن‌گاه که خواست برای نماز جمعه خارج شود، دو اشاره کرد که من بعدها فهمیدم یعنی چه. و آن دو اشاره، یکی به خود و دیگری به سوی آسمان بود؛ یعنی که روز پرواز من به آسمان فرارسیده است.

آقا روز جمعه بیستم آذرماه به طرف نماز جمعه حرکت کرد. ناگهان در بین راه خانمی از در خانه‌ای به طرف آقا آمد. چون معمولاً افراد در راه به آقا نامه می‌دادند و آقا سخت پروا داشت که پاسداران مانع شوند. آن خانم خیلی سریع خود را به آقا رساند و در ساعت ۱۱/۲۵ دقیقه بود که در یک لحظه زمین و زمان و کوچه پس کوچه‌های اطراف خانه آقا مملو از آتش شد. انفجاری مهیب رخ داد و پس از لحظه‌ای آقا غرق در خون شد و آیت نیک کردار حق، دستغیب، صدپاره به سوی دوست عروج کرد.^۱

همیشه در سخنرانیهای خویش بر روان و ساده‌گویی مطالب و قابل فهم بودن برای عموم مستمعین تکیه داشت و این شیوه را از روشهای موفقیت‌آمیز در هدایت و ارشاد و از شرایط مطلوب و مهم تبلیغ و سخنرانی ایده‌آل می‌دانست

می‌خواهید؟ ناراحتی دارید؟ جوابی نمی‌شود. اصرار می‌کند و آقا می‌گوید: «دیگر جز به اشاره سخن نمی‌گویم!»
 مشهدی حیدر خادم می‌گوید:
 «صبحها که می‌رفتم، ایشان همیشه پشت میز نشسته بود؛ ولی آن روز جمعه در اتاق قدم می‌زد و «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» می‌گفت.»

همه این حالات حکایت از این

۱. گلشن ابرار، ج ۲، صص ۸۸۳-۸۸۴